



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۷/۲۳

احمد ادریس رحمانی

سه خطای بزرگ مردم افغانستان در دنیای سیاست:

خیلی وقت شده بود که میخواستم در باره این مساله بنویسم ولی هر بار یک مساله دیگر مطرح میشد و این مساله از قید قلم می افتاد. امروز یک دوست پرسید چرا مردم افغانستان دفعتهً علاقمند و شیفته پوتین شده اند. فکر کردم سوال این دوست درست همان مساله بی است که از مدت ها به این طرف میخواستم برای تان بنویسم.

بباید برویم بر سر اصل مطلب و کمی خلص بنویسیم.

مردم افغانستان از دیر زمان است که در دنیای سیاست این سه اشتباه را تکرار میکنند. من پیوسته این گونه اشتباهات را در اطراف خودم شاهد بوده ام. اما برای من نهایت حیران کننده این است که نخبه گان سیاسی - نویسنده گان - و مردم متفکر افغانستان چرا به عین اندازه مردم عادی این سه خطای بزرگ را پیوسته تکرار میکنند.

این سه خطای بزرگ کدام ها اند؟

1. اشتباه در مفهوم و ماهیت سیاست :

هنوز که هنوز است مردم و یک تعداد زیاد نخبه گان ما متوجه نیستند که سیاست یک بازی است نه کدام پدیده مطلق. درست مثل اکثر بازی های دیگر سپورتي و غیر سپورتي که هر روز در جوامع انسانی به انها پرداخته میشود. از خود قوانین دارد. جای به خصوص برای بازی کردن دارد. از خود زمان آغاز و اختتام دارد.

اگر هیچ چیزی دیگر کمک تان نمیکند که دنیای سیاست را بهتر درک کنید تصور کنید که دنیای سیاست مثل دنیای سپورت های رزمی است. همیشه کسانی که در این راستا زحمت میکشند تمرین میکنند و بالاخره شهره و یا قهرمان میشوند از قبل میدانند که برای بازی کردن با یک قهرمان دیگر چه باید بکنند و چه نباید بکنند. قبل از رفتن به میدان رزم هر دو طرف فکر میکنند که طرف مقابل حق ندارد قهرمان باشد ولی این فشار درد و زجر مشت های طرف مقابل است که قانع شان میسازد که بهتر است از همین امتیاز بگذرم و با قهرمان شدن طرف کنار بیایم. از همه مهمتر اینکه به محض خلاص شدن بازی هر دو طرف میدانند که آنها با هم کدام دشمنی دیگر ندارند و هر چه بود به خاطر بدست آوردن یک امتیاز در میدان بازی بود و خلاص شد. در میدان مشت زنی این امتیاز ممکن است یک مدال طلا باشد اما در میدان سیاست یک معدن طلا و یا هم یک معدن انرژی. فقط اندازه اش تغییر میکند اما ماهیت اش تغییر نمیکند.

حال کسانی که در میدان مشت زنی برای هوا داری و چک چک کردن میروند با کسانی که در میدان سیاست شعار میدهند و همراهی میکنند از نظر ماهیت هیچ تفاوتی ندارند. در هر دو میدان مشت زنی و سیاست هواداران فقط یک چیز بدست میآورند و یا از دست میدهند - فقط این حس که آنچه من انتخاب کرده بودم و یا فکر کرده بودم بهتر از آن بود که تو فکر کرده بودی. هواداران این همه زحمت کشی - این همه هزینه را بر سر قهرمان طرف انتخاب شان صرف به خاطری میکنند که در نهایت بتوانند بگویند بالاخره حرف من و یا انتخاب من از تو بهتر بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

کسانی که از امتیاز بردن قهرمان برایشان منافع مادی می‌رسد، فرق می‌کنند. اینها از نظر سیاسی مردم های خیلی هوشیار تر از هواداران عادی می‌باشند. آنها میدانند که زحمت کشی شان و هزینه نموده شان به خاطر یک منفعت بزرگتر است. دقیق مثل تجار ها و سرمایه‌گذار ها مصروف بزنس هستند. اگر قهرمان طرف حمایت شان می‌برد، اینها فایده مادی می‌کنند ولی اگر میبازد اینها نقصان می‌کنند.

در بین هواداران روس ها - هوا داران امریکایی ها - هواداران عرب ها (ملا ها) - هواداران چینی ها و بقیه ملت های دیگر کسانی که از برد این کشور ها چیزی نصیب شان خواهد شد آنها ادم های منطقی هستند و مصروف تجارت و بزنس در میدان سیاست می‌باشند. اما کسانی که چیزی بجز ارضای خاطرشان - مثل اینکه دیدی نگفته بودم که آنچه من فکر می‌کردم همان شد - چیزی دیگر عاید حال شان نمیشود کسانی هستند که هواداران عادی به حساب می‌آیند و بخاطر سیاهی لشکر و چک چک کردن جمع میشوند.

برای شما هایی که این سطور را می‌خوانید لازم است از خود بپرسید آیا از این حمایت و هواداری کشوری یا سازمانی برای من کدام منفعتی می‌رسد یا نه؟ اگر بلی شما کار درستی را دارید انجام می‌دهید. اگر نه بهتر است همانقدر هواداری کنید که اگر تیم و یا شخص طرف علاقه تان باخت سبب رنجش خاطر و غم و غصه فراوان تان نشود.

2. اشتباه بین محاسبه و عاطفه:

در تمام ابعاد زندگی یک بی‌لانس جدی برای میزان استفاده از محاسبه در مقابل عاطفه تضمین کننده موفقیت در زندگی است. انسان های عاطفی همیشه در میدان های که مسابقه در آن مطرح نباشد از همه بهتر می‌درخشند. اما بر عکس در جاهایی که هدف اصلی مسابقه است تنها انسان هایی موفق میشوند که به اساس محاسبه پیش می‌روند نه با عاطفه. دنیای سیاست و اقتصاد دو جایبست که عاطفی برخورد کردن، باخت شما را همیشه تضمین خواهد کرد. اگر پسر تان قرار است برای مسابقه مشت زنی برود گریه کردن، نعره زدن و حتی عذر و زاری کردن و دعا کردن هیچ به درد تان نمی‌خورد. تنها چیزی که به دردتان می‌خورد این است که پسر تان تمرین کند و قدرت رزم طرف مقابل را محاسبه کنید. اگر متوجه شدید که به اساس محاسبه احتمال برد کم است باز بهتر است به میدان روانش نکنید، چون باختن بدون افکار شدن بهتر از باختن با سر و کله پندیده است. و یا به عباره دیگر - اگر قرار است در مسابقه قوچ جنگی بروید و بخواهید برسر یکی از قوچ ها شرط ببندید بهتر است قبل از آن با کسی که قوچ شناس است مشوره کنید تا حد اقل احتمال برد تان بیشتر گردد.

در میدان سیاست هم وقتی از کشوری می‌خواهید حمایت بکنید اول مطمئن شوید که این حمایت برای خودتان و یا کشور تان منفعت مادی به ارمغان خواهد آورد بعد بروید و به محاسبه آغاز کنید. دنیای سیاست و اقتصاد دنیا محاسبه است و با عواطف و احساسات چیزی تغییر نمی‌کند. قدرت نظامی و قدرت اقتصادی یک مملکت قابل حساب و محاسبه است. بروید اگر خودتان یاد ندارید از کسی کمک بگیرید تا برایتان محاسبه کنند که کدام یکی از این دو طرف در مسابقه احتمال برد اش بیشتر است. وقتی مطمئن شدید بعدا حمایت کنید.

خطای بزرگ مردم ما اینست که حمایت سیاسی شان به خاطر هر چیزی دیگری باشد به خاطر منفعت نیست و از روی محاسبه نیست. این بزرگ ترین اشتباه مردم ما است. به طور مثال:

وقتی می‌خواهید در مقابل امریکایی ها از روس ها حمایت کنید از خود بپرسید که اگر روس ها موفق شوند به شما و یا تیم سیاسی شما چه منفعتی ببار خواهد آورد. به طور مثال اگر روس ها به تیم سیاسی شما پول می‌دهد و یا اسلحه می‌دهد و کسی دیگر حاضر نیست بدهد، باز حتما از روس ها حمایت کنید چون کار منطقی است. اما اگر روس ها به تیم سیاسی شما ۱۰۰ می‌دهد و چینی ها حاضر هستند ۱۵۰ بدهند باز اشتباه می‌کنید که از روس ها حمایت می‌کنید. اگر امریکایی ها تیم

سیاسی مقابل شما را ۱۰۰ هزار میدهد و روس ها حاضر نیستند شما را ۱۰۰ بدهد باز این نهایت اشتباه است که به خاطر آنها حتی حرفی در صفحه فیس بوک تان مینویسید. اینکه روس ها را به خاطری حمایت میکنم که میخواد امریکایی ها را سر جایشان بنشانند، از نابخردانه ترین کارهایست که یک انسان میتواند در دنیای سیاست انجام بدهد. چون هدف شما اساساً منفعت نیست، خصوصاً منفعت برای خودتان. این گونه اشخاص بزرگترین ضربه روحی را روزی میخورند که روس ها تصمیم بگیرند، در حمایت از طرف مقابل شان با امریکایی ها در مسابقه داخل شوند. در انروز شما هیچ حرفی برای گفتن نخواهید داشت. همیشه برای احتمال شکست طرف حمایت تان یک محاسبه دومی داشته باشید بهتر است.

۳. اشتباه در انتخاب هدف :

یکی از بزرگترین خطاهای مردم ما در دنیا سیاست اینست که نمیدانند هدف در دنیای سیاست چه است. همیشه سیاست مدار را با یک دانشمند - با یک عارف - با یک شاعر - و یا هم با یک داکتر فزیک اشتباه میگیرند. به طور مثال آنها فکر میکنند انسانی که بسیار صادق - مهربان و نیکو کار باشد بهترین رهبر برای دنیای سیاست خواهد بود. شما خود تصور کنید. اگر قرار باشد از شما کسی بخواد بروید و برای تیم مشت زنی قریه تان یک رهبر انتخاب کنید باز شما دنبال یک ادم صادق - مهربان - و نیکو کار خواهید گشت و یا یک ادم خشن - زور گوی - بی رحم و ترسناک؟

دلیلی که مردم در اینکار پیوسته اشتباه میکنند اینست که آنها هنوز نمیدانند هدف در دنیای سیاست چه است. در عین زمان ما از طفولیت خصوصیات زورگویی - خشن بودن و بی رحم بودن را در طفلان سر زنش میکنیم. این خصوصیات از نظر مردم ما خیلی بد است ولی متوجه نیستند که در میدان های جنگ و سیاست دقیق همین خصوصیات است که شما را فاتح میسازد. به طور مثال در دهه های ۸۰ و ۹۰ اکثر مردم دری زبان شمال برای ازبیک ها میگفتند که رهبر شما یک ادم بی رحم - خشن - ادم کش و بی تحصیل است. در آنزمان جنرال دوستم را با داکتر نجیب و یا احمد شاه مسعود مقایسه میکردند. امروز میبینیم که همان خصوصیات جنرال دوستم برای مردم ازبیک صدها مرتبه بیشتر به کار آمد تا خصوصیاتی که مردم فکر میکرد او ندارد. دنیای سیاست دنیا تقلا و رزم بخاطر بدست آوردن منفعت است.

این جمله را هیچ وقت از یاد نبرید. اگر میخواید در این دنیا موفق باشید چشم از دو چیز بر ندارید:

۱. اینکه منفعت من یا ما چی است؟

۲. کی این منفعت را به هر شکلی شده بر ایمان بدست آورده میتواند؟

اگر در انتخاب جواب به این دوسوال اشتباه نکردید در دنیای سیاست هیچ وقت عقب نمی مانید. اما اگر فکر کردید که دنیای سیاست دنیا ابراز عواطف و زیبایی های شاعرانه است و بهترین شاعر و یا دانشمند در بین مردم را به این پست باید برگزید باز دلتان جمع باشد که هیچ گاهی روزی خوشی نخواهید دید.

به لوگو های ملت های دنیا توجه کنید.

چند کشور در دنیا سراغ دارید که لوگو های ملت شان یک آهو و یا طاووس باشد؟

جمع بندی:

من در این نبشه مستقیماً به جواب سوال دوست عزیز نپرداختم که چرا مردم ما به شدت شیفته رئیس جمهور پوتین شده اند چون این شیفته گی دلایل مختلف میتواند داشته باشد. در صورتیکه که آنها دچار

این سه خطای بزرگ نشده باشند باز علاقمندی و یا حمایت از یک ملت کاملاً کار منطقی است. اما اگر کارشان متأثر از این سه اشتباه باشد خیلی وقت نخواهد گذشت که با ندامت روبرو خواهند شد. راستی فراموش نکنیم که یک ملت را در حد یک رهبر پایین آوردن خودش نهایت کار اشتباه است. حمایت از روس ها خیلی کار عاقلانه تر است تا از رئیس جمهور پوتین. این ملت ها است که رهبر ها را تولید میکنند. هیچ رهبری در دنیا به وجود نیامده است که ملتی تولید کند. چون روند ملت سازی صد ها سال طول میکشد و هیچ انسان عمر کافی برای اینکار ندارد.